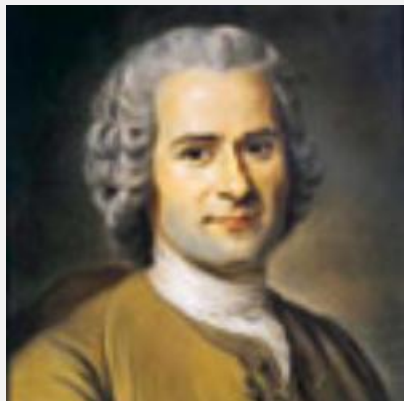


## فلسفه تربیت از دیدگاه ژان ژاک روسو

امروزه بسیاری از پژوهشگران و متخصصان علوم اجتماعی، شکل‌گیری و گسترش دموکراسی را تنها مرتبط با پیدایی نهادهای اجتماعی و سیاسی نمی‌دانند، بلکه یکی از پیش شرط‌های آن را توجه به تربیت از دوران کودکی می‌دانند...



امروزه بسیاری از پژوهشگران و متخصصان علوم اجتماعی، شکل‌گیری و گسترش دموکراسی را تنها مرتبط با پیدایی نهادهای اجتماعی و سیاسی نمی‌دانند، بلکه یکی از پیش شرط‌های آن را توجه به تربیت از دوران کودکی می‌دانند. براین اساس، از همان آغاز شکل‌گیری بحث‌هایی در حول دموکراسی، فلسفه تربیت هم در کانون توجه قرار گرفت. در این میان #171; جان دیویی؛ بر این نکته اصرار زیادی داشت و ریچارد رورتی، فیلسوف معاصر آمریکایی نیز از زاویه‌ای دیگر به آن می‌نگریست. به هر روی، تربیت، پیش شرط دموکراسی است و از راه تربیت صحیح انسان‌ها می‌توان به گسترش دموکراسی مدد رساند. مطلب حاضر نگاهی دارد به آرای تربیتی ژان ژاک روسو، یکی از نخستین فیلسوفان حوزه تربیت. از آنجا که روسو فردی با تحصیلات ابتدایی و فاقد تحصیلات آکادمیک بوده است، نمی‌توان اصول علمی‌را در نظرات او جست‌وجو کرد. آرای وی در کلیه امور به ذهنیت شخصی او و آنچه که او در طول دوران زندگی از اجتماع و جامعه دریافت کرده بود، وابسته است. او با این حال مسائل تربیتی را به صورت اصولی مطرح کرده و از پرداختن به جزئیات خودداری کرده است. آقای ژان شاتو در کتاب #171; مریان بزرگ؛ چنین می‌گوید: #171; اگر در آثار او اصول فنی و دقیق تربیتی را جست‌وجو کنیم کاملاً راه خطا رفته‌ایم. خودش هم بارها به این نکته اشاره و خاطر نشان کرده است که به پی‌ریزی مبانی اکتفا نکرده، قصدش به هیچ وجه ورود به جزئیات نبوده بلکه می‌خواسته اصول کلی را بیان کند؛ (شاتو، 1372، ص 177).

مسائل تربیتی تحت‌تأثیر همه ابعاد زندگی بشر است و بر اساس همین قاعده اصول حاکم بر نظریات روسو در همه آثارش در یک راستا قابل مشاهده است. با این وجود در هیچ کدام از مقالاتش تعریف منسجمی از تعلیم و تربیت و شرایط آن بیان نکرده بلکه در مقالات مختلف خود تعاریف پراکنده‌ای از تعلیم و تربیت، آن هم به شکل‌های غیر علمی مطرح کرده است. او تعلیم و تربیت را دو امر مجزا می‌داند که از نظر وی مسئله تربیت نسبت به تعلیم اولویت دارد. در حقیقت تربیت به صورت مسئله اصلی‌ای مطرح می‌شود که به تمرین هر فرد و نه تجویز دیگران، بستگی دارد.

به‌طور کلی روسو طبیعت، آدمیان و اشیا را 3 استاد تربیت می‌داند. از این میان #171; تربیتی را که به وسیله اشخاص انجام می‌گیرد توأم با اختیار می‌داند و آن را نوعی هنر می‌شمارد که مستلزم مهارت بیشتر است و محال است با موفقیت کامل نیز همراه باشد؛ البته ناگفته نماند که استاد اصلی را طبیعت غیرفاسد معرفی می‌کند و 2 استاد دیگر را با استاد اول هماهنگ می‌داند. او درباره طبیعت چنین می‌نویسد: #171; ما حساس به دنیا می‌آییم و از روز تولد به طرق مختلف تحت‌تأثیر پدیده‌های گوناگونی که ما را احاطه کرده قرار می‌گیریم و به محض اینکه احساساتی را که در ما پدید می‌آید شناختیم، آماده می‌شویم به پدیده‌هایی که این احساسات را در ما تولید می‌کنند نزدیک شویم یا از آن دوری‌گزینیم.

به محض اینکه ما بیشتر حساس و مطلع می‌شویم این تمایل یا تنفر در ما محکم‌تر می‌شود ولی چون تحت فشار عادات ما قرار می‌گیرد به تبع عقاید ما، کم و بیش تغییر می‌یابد. این تمایلات را پیش از آنکه تغییر کند طبیعت می‌نامیم. #171; ما حاصل تعاریف بالا را می‌توان به این صورت آورد که #171; تربیت، هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت و هدایت طبیعی متربی و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او و برای زندگی کردن تحقق می‌پذیرد. #171;

از نظر ژان شاتو تربیت مورد نظر روسو بر 3 اصل زیر استوار است:

1- #171; طبیعت خوب است چون منشأ الهی دارد

2- اجتماع بد است

3 آزادی، تبعیت کامل از قانون مدینه ایده‌آل است. #171;

در انجام مراحل و روش‌های تربیتی در راستای اصول بالا به چند نکته باید اشاره کنیم؛ روسو معتقد است قبل از شروع تربیت کودک، باید طبیعت کودک و آنچه را که خداوند در وجود او نهاده است، خوب بشناسیم؛ #171; هر سنی مقتضیاتی دارد و هر فرد انسان هم استعداد خاصی دارد و هر انسان باید متناسب با آن اداره شود؛ #171;

روسو انسان را بالفطره پاک می‌داند و جامعه پلید و آلوده است که انسان را آلوده می‌کند. او بر طبیعت و آنچه که طبیعت به انسان داده است بسیار تأکید می‌کند. وی معتقد است که کودک را باید از این جامعه پلید دور نگه داشت و اجازه داد تا او مراحل طبیعی زندگی خود را طی کند و با آنچه طبیعت به او داده است، به رشد و کمال برسد. او اجتماع را کاملاً مؤثر بر انسان می‌داند ولی چون هنر، علم، دانش و صنعت را باعث انحطاط جامعه می‌داند پس جامعه نیز بر کودک تأثیر مخرب می‌گذارد.

روسو مباحث تربیتی خود را همراه با بقیه نظریاتش در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی در کتاب‌ها و مقالات دیگرش مطرح کرد، سپس

برآن شد تا کتابی منحصر در باره مسائل تربیتی بنگارد. در این کتاب اصول تربیتی وی همراه با رشد کودکی فرضی به نام امیل به صورت عملی مرحله به مرحله پیش می‌رود. او اعمال تربیتی این کودک را منطبق بر نظریاتش جلو می‌برد. از بدو تولد این کودک تمام وظایف مادر در قبال او توضیح داده می‌شود. سپس امیل تحت تربیت مربی خود قرار می‌گیرد و در تمام مراحل زندگی مربی همراه امیل است. از نظر روسو جامعه در راه رسیدن خود به سوی تمدن، همواره از طبیعت انسانی دور شده، به تجمل رو کرده و در بند چیزهای ساختگی گرفتار آمده است.

از این رو هر گونه تاثیر آن بر اساس طبیعت، یعنی کودک، اثری تباہ کننده دارد. بنابراین کودک همیشه تحت نظر مربی قرار دارد. اولین کار مربی شناخت کودک و مراحل رشد طبیعی اوست و توجه به این نکته که کودک با بزرگسال متفاوت است؛ &#171؛ اینک فکر نکنیم کودکان نیز مانند ما فکر می‌کنند و آنها خصوصیات افراد بالغ را دارند. خود کودک، روحیاتش و احساساتش بررسی شود و طبق آن برنامه‌های تربیتی آماده شود. &#171؛ در حقیقت مربی مواظب کودک است و او را دور از جامعه، در محیطی بسته و با توجه به تفاوت‌های فردی اش تربیت می‌کند. البته روسو جامعه‌ای را رد می‌کند که طبیعت انسان، آزادی و حق او را نادیده می‌گیرد.

امیل تا دوازده سالگی به دور از هر گونه کتاب و هر آموزشی بزرگ می‌شود. چون از نظر روسو کودک تا قبل از دوازده سالگی معنی چیزی را که می‌خواند یا به او آموزش می‌دهند نمی‌داند و فقط به صورت طوطی‌وار آن را حفظ می‌کند و نمی‌تواند در مورد آن قضاوت کند. روسو کودک را بر آن می‌دارد تا در طبیعت تفکر کند. بدین وسیله حواس پنجگانه او تقویت می‌شود. برای امیل شرایطی مهیا می‌شود تا خود از روی مسائل طبیعی به بعضی از مسائل طبیعی و نتایج آن پی ببرد.

اگر کودک سؤالی بپرسد مربی به آن پاسخ نمی‌دهد، زیرا این پاسخ دادن به سؤال کودک او را از فکر کردن باز می‌دارد و در عوض &#171؛ با پرسیدن پرسش‌های هدایت‌کننده او را راهنمایی می‌کند تا خودش مشکل را بگشاید. &#171؛ از طرفی &#171؛ آموزگار خوب کسی است که شوق به آموختن و فهمیدن را در شاگرد برانگیزد. &#171؛ جسم امیل نیز باید تحمل سختی، سرما، گرما و گرسنگی را داشته باشد تا بتواند در آینده فردی تنومند و قوی باشد. با تقویت حواس پنجگانه، عقل او نیز بر احساساتش غلبه می‌کند و در شرایط درست تصمیم می‌گیرد.

روسو بعد از دوازده سالگی آموزش رسمی و عمومی را توصیه می‌کند. از نظر وی همه انسان‌ها با هم برابرند بنابراین در مورد انتخاب مدرسه و نحوه آموزش نیز نباید بین افراد ثروتمند و فقیر تبعیضی قائل شد. براین اساس تأکید زیادی بر دموکراسی، آزادی فردی و تعلیم و تربیت فردی و سپس تعلیم و تربیت ملی دارد.

البته شرایطی را نیز بر این مدارس متصور می‌شود؛ &#171؛ در آموزشگاه‌ها، باید ورزشگاه‌هایی برای تمرین‌های بدنی بر پا کرد. این نکته که تا به این اندازه فراموش شده، در نظر من مهم‌ترین بخش تربیت است؛ نه تنها از نظر سلامت بلکه بیش از آن، از نظر تربیت اخلاقی که یا فراموش می‌کنند یا دادن مشتی دستورات خشک و بیهوده را کافی می‌پندارند. &#171؛ همچنان که ذکر شد، روسو 3 استاد تربیت را این چنین نام می‌برد: 1- طبیعت 2- آدمیان 3 اشیاء. اولی را اصل می‌گیرد و دو عامل دیگر را با آن اصل اول هماهنگ می‌کند؛ &#171؛ تربیت باید در راستای طبیعت انسان و در راستای قلب و روح او باشد. &#171؛

از طرفی دیگر معتقد است هوش انسان برترین جنبه وی نیست چون ممکن است تحت تأثیر هوای نفس و جنبه‌های پلید انسانی قرار گیرد و از هوش به عنوان وسیله‌ای برای نیرنگ و حيله سازي استفاده شود. بنابراین، روسو برترین جنبه انسان را وجدان اخلاقی او می‌داند؛ &#171؛ برترین جنبه انسان وجدان اخلاقی و تشخیص نیک از شر و گرایش به نیکی است. &#171؛ مهم‌ترین مسئله‌ای که روسو به آن می‌پردازد، تربیت منفی است. به نظر او لازم نیست ما از محاسن کار درست اخلاقی داد سخن دهیم، بلکه کافی است کار بد را به کودک نیاموزیم، زیرا فرد به صورت طبیعی کاری مثل دروغ گفتن را بلد نیست، انسان به صورت طبیعی راستگوست و جامعه است که دروغ گفتن را به او می‌آموزد.

با توجه به مذمت جامعه از طرف روسو عده‌ای فکر می‌کنند که روسو جامعه را به کلی حذف می‌کند در حالی که &#171؛ پیشنهادش به ما این است که عظمت فکر و تکامل اخلاق این آدم تربیت شده را محفوظ بداریم و در عین حال خوش قلبی و آزادی و سعادت را که انسان به طور طبیعی دارا بوده است به او برگردانیم. این احیا و تجدید به 2 صورت ممکن است: تجدید فرد و تجدید جامعه. &#171؛ در حقیقت روسو در مقابل لاک اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح فرد می‌داند به این مفهوم که &#171؛ هدف تعلیم و تربیت بازسازی انسانی است که بتواند در جامعه بازسازی شده زندگی کند. &#171؛ بخش دیگری از آرای تربیتی روسو مربوط به تربیت مذهبی است.

او طرفدار کیش خدایپرستی مطلق است. به همین دلیل است که اصراری بر انجام تکالیف مذهبی یا داشتن مذهب خاصی ندارد. آنچه وی معتقد است ایمان قلبی به خداوند و دوست داشتن خدا از صمیم قلب است؛ &#171؛ امیل هرگز راجع به صفات خداوند تصورات باطل نخواهد کرد، زیرا عادت دارد به آنچه مافوق فهم اوست توجه نکند، علاوه بر این مربی او سعی نخواهد کرد او را به کیش خاصی پرورش دهد بلکه کوشش خواهد کرد وی را طوری تربیت کند که وقتی بزرگ شد مذهبی را که عقل او می‌پسندد انتخاب کند. &#171؛

همشهری آنلاین- اعظم حسینی